

نویسنده: دوگ باندو «Doug Bindow» .

منبع و تاریخ نشر: انتی وار « 2021-02-19 » .

برگردان: پوهندوی دوکتور سید حسام «مل» .

ریس جمهور «جوبایدن» وظیفه اخلاقی دارد که نیروهای آمریکایی را از افغانستان بخانه بیاورد



ایالات متحده در جنگ داخلی افغانستان به مرز «20» سالگی خود نزدیک میشود .

واشنگتن پس از مداخله بتا ریخ یازدهم ماه سپتا مبر سال « 2001 » در افغانستان به سرعت القاعده را فلج و طالبان را از اریکه قدرت در آن کشور بیرون راند. اما دریغا که برای هرسه دولت پی در پی ایالات متحده بسیار دشوار بود که بتواند یا که میتواند یک دولت مرکزی قدرتمندی با داشتن دموکراسی به سبک ویست مینیستر (westminster) یعنی دولت با داشتن پارلمان را در آسیای میانه بوجودمی آورد؟ لذا پرسونل ویا نیروهای نظامی ایالات متحده در باشگاهها ویا در قرارگاه های نظامی خود واقع در افغانستان باقی می مانند و باقی ماندن این نیروها شبیه به ماندن در هتل کالفورنیا ؛ وچنین به نظر میرسد که آمریکایی ها میتوانند افاق را چک ویا کنترل کنند ؛ اما هرگز آنجا را ترک نمیکنند .

حتی بسیاری از شاهین ها « ستیزه جویان » توجیه جنگ را با دلایل انسان دوستانه کنار گذاشته اند و ترجیح دادند که در مورد اهمیت باقی ماندن نیروها در مبارزه علیه تروریسم یا بخاطر دست یابی به اهداف دیگری به صحبت ویا مذاکره بپردازند. با اینحال رونالد ای نویمان « Ronald E Neumann » سفیر پیشین ایالات متحده در افغانستان ؛ پرابلم توجیه ملت سازی را پذیرفت ؛ وی در زمینه سوال کرد : در این زمان از اینکه بسیاری از جوانان افغان در حال ساختن نوع از جامعه هستند که ما به آنها موعظه کردیم ؛ آیا ما مسولیت اخلاقی نداریم که آنچه را که به آنها کمک یا موعظه

کرده ایم آن وعده را حفظ کنیم؟

این ادعا جدا بیت عاطفی زیادی دارد؛ اما این نمیتواند که مشا رکت نا محدود و یا احتمالاً دایمی آمریکا را در جنگ بی پایان «داخلی» دیگران توجیه کند یا اینکه ایالات متحده نباید بخود حق بدهد که در جنگ دیگران مشارکت و یا مداخلت کند.

نخست از همه و یا در آغاز کار این مسولیت دولت ایالات متحده است که قبل از همه در قبال مسایل و یا موضوعات مربوط به شهروندان خود بیاندیشد. مطمئناً واشنگتن همانطور که در دنیا فعالیت میکند ملزم به رفتار و یا به برخورد اخلاقی با در نظر گرفتن عواقب و پس منظر اقدامات خود است و یا که باید باشد؛ با اینحال دولت فدرال در نهایت به کمک های مالی و خدمات نظامی مردم خود وابسته و متکی است و آنها از آنجا که بهزیستی به واشنگتن سپرده شده است؛ پس سیاست های بین المللی آمریکا نیز باید از حمایت مردم آمریکا آغاز و مدنظر گرفته شود. که دولت نباید مردم خود را به خطر مواجه کند؛ بلکه این سیاستمداران و یا مقامات مسول باید بخاطر تامین امنیت برای این جامعه از نظرسپاسی بزرگترویا دورنمای جامع تر فکر کند.

با این وجود ماندن نیروهای جنگی در افغانستان امنیت آمریکایی ها را کمتر میکند یا که غیر مصون می سازد؛ طالبان میخواهند بر کشور حکومت کنند و نه که با ترک آمریکایی ها از افغانستان با آمریکا جنگ کنند؛ لذا این گروه واشنگتن را نادیده میگیرند و آنها به این امید که مداخلات بیشتر آمریکا را منتفی کنند.

و اما در مورد جلوگیری از فعالیت های تروریستی مجدد القاعده چطور؟ طالبان انگیزه ای برای جلوگیری از چنین فعالیتی در هر نقطه ای را که پس از عقب نشینی یا خروج نیروهای آمریکایی کنترل و یا که در تحت تصرف خود در می آورند؛ این توان را دارند که از آن مناطق واریسی بعمل آورند؛ زیرا طالبان نمیخواهند تا وان تلافی جویانه آمریکا را ایجاد کنند؛ در هر صورت افغانستان یک آهن ربای (مقناطیس) اصلی یا ذاتی برای تروریسم نیست؛ **اسامه بن لادن** برای جنگیدن در کنار نیروهای مجاهیدن با کمک و یارانه ای واشنگتن علیه ارتش سرخ در آنجا یعنی در افغانستان بود یا در افغانستان حضور یافت.

افزون بر آن باید گفت: که در سراسر جهان بسیاری از جاها و یا محلات و مکان های بد و غیر مصون در تحت اداره حکومت قرار دارد که در آنجا ها فعالیت های تروریستی کم و بیش صورت میگیرد که نمیتوان از آن چشم پوشی کرد؛ با آنها از این گذشته؛ **اسامه بن لادن** به پاکستان فرار کرد و در آنجا به فعالیت های تروریستی خود تا رسیدن تیم سیل (seal team) آمریکا ادامه داد قابل تذکر است که سرانجام همسایگان افغانستان و از همه مهمتر ایران، پاکستان، چین و روسیه فشار فزاینده ای را به نسبت حمل و یا با مسولیت بمنظور تامین برقراری ثبات در افغانستان در مدت این چهار دهه جنگ احساس میکنند.

بعلاوه ترک و یا ختم جنگ افغانستان بهترین فرصت را برای تقویت ثبات پاکستان فراهم میکند؛ مدت ها است که اسلام آباد بعنوان یک متحد نامی و وفادار از طالبان استقبال و حمایت کرده و میکند؛ و برای جنگجویان و یا نیروهای ورهبران طالبان در خاک خود مخفیگاههای را تدارک دیده و یا که مخفیگاه های را در اختیار آن ها قرار داده است و تا جا یکه فکر میشود پاکستان با این اقدام خود پیروزی ایالات متحده را هر چند و چنانی که تعریف شده است تقریباً غیر ممکن ساخته است. نباید فراموش کرد که چندین دهه جنگ افغانستان باعث آتش سوزی های سیاسی و نظامی متعددی در همسایگی پاکستان شده است که به شدت تقسیم نشده است؛ بهترین امید برای پایان دادن به نبردهای که ثابت کرده است باز هم بسیار بی ثبات کننده خروج آمریکایی ها از افغانستان است؛ که مسله حل جنگ یا قطعنامه جنگ (war's resolution) را به مردم افغانستان واگذار میکند؛ در صورت ادامه جنگ؛ حد اقل مبارزان محلی هستند نه اینکه یک ابر قدرت جهانی از راه دور با برنامه کاری بسیار متفاوت و خود مختاری خود به ارتباط این معضله فعالیت کند و یا تصمیم بگیرد؟

علاوه بر این؛ ادامه مشارکت در جنگ به معنای به هدر دادن پول بیشتر دولت است؛ آنچنانیکه در حال حاضر به نسبت حوادث ناگوار و یا بلاهایی که دامنگیر مردم افغانستان شده است هم پول هنگفتی به هدر رفته که بیش از (2) تریلیون دلار بوده و بدتر از آن اینکه در این جنگ بیشتر آمریکایی ها جان خود را از دست دادند یعنی بر علاوه «5000» عضو و پیمانکاران خدمات ایالات متحده که کشته شدند؛ در حدود «1100» سربا زخارجی نیز در جنگ افغانستان تا حال کشته شده اند. و در کنار آن تلفات غیر نظامیان نیز زیاد است.

نویمان «سفير اسبق ایالات متحده در افغانستان» خاطر نشان کرد که مصارف و یا هزینه های جنگ در افغانستان در حال فعلی تا حدی کم است و تعداد کشته های نیروهای ایالات متحده کاهش یافته است تا جاییکه بیش از مدت یک سال است که هیچ یک آمریکایی در این جنگ فعلی دوا مدار افغانستان کشته نشده است ولی این دلیل شده نمیتواند که خون هزاران آمریکایی ریخته شود و یا که زندگی خود را از دست دهند یا که به تریلیون ها دلار در جنگ خرج و مصرف شود تا که در افغانستان هزاران آمریکایی نه میرند؛ با اینحال کمبود یا اندک بودن تلفات که آنها مصنوعی است؛ در واقعیت امر این خود نتیجه تصمیمگیری طالبان است که حملات شان را بر آمریکایی ها به نسبت توافقنا مه بین واشنگتن و جانب طالبان تا تاریخ اول ماه می (2021) متوقف ساخته اند.

اگر دولت «بایدن» توافقنا مه را با طالبان تکه و پاره کند آنچنانیکه رییس جمهور «دونالد ترامپ» برنامه جامع اقدام مشترک «برجام» با ایران را لغو کرد و نشان داد که نیت و یا قصد او شلاق زدن بر تحقق این توافقنا مه است. پس در آن صورت احتمال آن میرود که گروه یا نیروها به عملیات های عقبی مجدداً شان بپردازند که در این صورت بیشتر نیروهای ایالات متحده از حد بیشتر آسیب پذیر خواهند شد و آنچنانیکه حضور نیروهای جنگی ایالات متحده در سال (2011) با بالاترین میزان «110000» نفر رسیده بود و نتوانست در این جنگ پیروز شود؛ پس مطمئناً که (2500) سرباز آمریکایی در افغانستان قادر نخواهند شد که موفقیت را از آن خود کنند. لذا با وخیم شدن اوضاع امنیتی افغانستان رییس جمهور «بایدن» یکی از دوراه را باید انتخاب کند؛ یا اینکه یک حمله نظامی گسترده را با بیشتر نیروهای جنگی شروع کند و یا که در زیر آتش گلوله عقب نشینی کند که در این صورت هیچ یک از آنها گزینه راه بیرون رفت برای او نخواهد بود.

البته که **نویمان** «سفير اسبق ایالات متحده در افغانستان» به نتیجه و یا پیامد متفاوتی امیدوار بود وی گفت: هدف از توافق آمریکا و طالبان صرفاً حذف یا بیرون کردن سربازان ما از افغانستان نبود؛ بلکه شروع مذاکرات جدی بین جوانب درگیر در جنگ افغانستان «بین الافغانی» بود. بهر حال اگر احیاناً به راه حل نرسیدن این جنگ نامعلوم پیمان دیگری غیر قابل پایدار یعنی پایگاه نظامی آمریکا در افغانستان منعقد شود و یا که بر آن پافشاری شود که ثبات بدون حضور دایمی و مستمر نیروهای ایالات متحده امکان پذیر نیست؛ این طرح را هرگز طالبان نمی پذیرند؛ پس میتوان گفت که جنگ کاملاً تمام عیار در افغانستان دوباره به شدت خود شعله ور خواهد شد.

نویمان همچنین نگران درک یا شناخت بی وفایی و بی ایمانی ایالات متحده بود چونکه وی در مورد خاطر نشان کرد: ما در افغانستان کسانی هستیم که چشم انداز آزادی و جامعه ای تغیر یافته و یا در حال تغیر را دنبال میکنیم؛ ما جوانان افغان را آموزش دادیم و بارها به آنها وعده دادیم که از این آزادی های شما همه جا نبه حمایت خواهیم کرد؛ ما به ایجاد مطبوعات؛ تلویزیون؛ و رادیو آزاد کمک کردیم و به همین سان بسا موضوعات دیگر را. که به اعتقاد او در برآورده شدن این نوع آزادی ها ایالات متحده را ملزم و مکلف میدانیم که بگونه رسمی از این آزادی حمایت کند.

با اینحال آمریکایی ها سالها برای حمایت از این اهداف فوق الذکر با افتخارات زیاد در این موارد مصرف و خرج کردند و جان های خود را با بی پروایی قربان کردند با وجودیکه این اهداف ارتباط چندانی بر وضع امنیتی ایالات متحده نداشت؛ یعنی که آمریکا به تامین شدن این اهداف چندانی

ضرورتی هم نداشت و یا که حمایت آمریکا هرگز تصمیمی بمنظور موفقیت نبود و وعده های واشنگتن نیز حاکی از ادامه مداخله اش در صورت لزوم تا زمان موفقیت نبود؛ اگر نوییمان و امثال او میخواهند ثروت یا دارایی خود را در این راه وقف کنند و جان خود را به خطر بیا نندازند باید که این کار را انجام دهند. با این حال او هیچ حکمی برای خرج و یا مصرف کردن پول دیگران و به خطر انداختن زندگی دیگران ندارد.

من دوبار به افغانستان سفر کردم و در این مدت با بسیاری از افغان ها که مایل به ایجاد یک دموکراسی لیبرال یعنی آن یک نظم که از زندگی؛ آزادی و عزت مردم شان محافظت کند بودند افسوس که این تمایل قابل درک آنها برای داشتن جهایی بهتر بخاطر امکان پذیر ساختن آن تمایلات نیت و هدف کافی نیست؛ همچنان آن آزادی های افغانی که به وعده های ایالات متحده بارور میشد یا مرتبط میشد وظیفه ای بر عهده واشنگتن قرار نمیدهند که افغانستان را به همان شکل کما فی السابق تبدیل کند. زندگی مردم ایالات متحده ارزش بیشتری نسبت به زندگی مردم افغان ها ندارد. اما واشنگتن مسولیت بالاتری در قبال آمریکایی ها دارد. از جمله کسانی که اکنون در افغانستان خدمت میکنند.

پرسونل ایالات متحده از افغانستان باید بخانه برگردانده شوند؛ البته مطمئناً تا اول ماه مه؛ حتی بهتر زودتر و خیلی زودتر.

چند سطر در مورد نویسنده این مقاله:

دوگ باندو یکی از اعضای ارشد موسسه کاتو (Cato) است. وی که سابقاً دستیار ویژه ای ریس جمهور «رونالد ریگان» بود و نیز نویسنده کتاب تخت عنوان (*follies foreign : America's*) (*new global empire*)

----- **با تقدیم سلامها « 2021-02-21 »**